

سواد تشخیص

را «سواد رسانه‌ای» خوانده‌اند؛ سوادی که به شخص کمک می‌کند منابع مورد نظر را بیابد، بفهمد، تحلیل و ارزیابی کند و در میان انبوه پیام‌های رسانه‌ای، پیام مورد نظر خود را خلق کند (Livingstone, 2004). بخش زیادی از اوقات جوانان ما اکنون با رسانه‌ها اشغال شده است. بر شمار کسانی که از اینترنت و ماهواره، و رسانه‌هایی مانند وبلاگ، فیس‌بوک و مانند این‌ها استفاده می‌کنند، هر روز افزوده می‌شود اما همان‌طور که سلوین^۱ (۲۰۰۹) نشان داده است، مرادوت و تماس نوجوانان و جوانان با رسانه‌های جدید به معنای آن نیست که سواد رسانه‌ای را دارند. بی‌سوادی رسانه‌ای موجب آن شده است که نسل جوان گاه دچار حیرانی، سردرگمی یا شیفتگی بی‌اساس شوند و نتوانند آن‌گونه که شایسته است، از رسانه‌های گوناگون بهره‌مناسب ببرند.

امروزه در اکثر کشورهای پیشرفته تجهیز دانش‌آموزان به سواد رسانه‌ای از اولویت‌های نظام آموزشی است؛ سوادی که به نسل جوان کمک کند پیام رسانه را دریافت کند و درست و نادرست آن را تمیز دهد و ارزیابی کند. به‌نظر می‌رسد همان‌طور که با انتشار کتاب بحث سوادآموزی در معنای توانایی خواندن و نوشتن کتاب، در اولویت قرار گرفت، لازم است به موازات رشد بی‌سابقه استفاده از رسانه‌های گوناگون، آموزش سواد رسانه‌ای نیز مورد توجه مسئولان نظام آموزش رسمی کشور و رسانه‌ها قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Selwyn

منابع

- Livingstone, S. (2004). Media literacy and the challenge of new information and communication technologies. *The Communication Review*, 7(1), 3-14
- Selwyn, N. (2009, July). The digital native—myth and reality. *In Aslib Proceedings* (Vol. 61, No. 4, pp. 364-379). Emerald Group Publishing Limited.

نسل من نسلی بود که با کتاب برآمد. خواندن رمان‌های بلند، مانند «جنگ و صلح» چندان عجیب در نظر جلوه نمی‌کرد. نسل من «متن‌محور» بود و بر کتاب تأکید داشت. نسل حاضر نسلی است که رسانه او به کتاب محدود نمی‌شود. انواع و اقسام رسانه‌ها او را احاطه کرده‌اند. عادات نسل حاضر به شدت در حال تغییر است. دیگرگویی حوصله‌ها تنگ شده‌اند اما نه مدح گذشته راه به جایی می‌برد و نه مذمت اکنون گرهی را می‌گشاید. بیهوده نیست که همه چیز در حال فشرده شدن است.

زمانی برای کم‌حوصلگان به جای متن کامل دیوان شعرا، به نشر گزیده آن می‌پرداختند و اکنون به چکیده‌ای بسنده می‌کنند. از میان آن همه اشعار شاعران بزرگ، چکیده‌ای از ابیات و کلمات بر صفحه‌های سفید. در نهایت چند کلمه‌ای از شاعران دانستن و آن‌ها را فراموش نکردن. وایبر، فیس‌بوک و توئیتر ما را به‌سوی کم‌گویی، کم‌خوانی و کم‌دانی می‌برند. میزان تأثیرگذاری رسانه‌های جدید نیز چندان شگفت است که به یکباره خبری به سرعت در شهر می‌پیچد و دست به دست می‌شود؛ بی‌آنکه از صدق آن اطمینانی باشد.

در هجوم رسانه‌ها و انبوه پیام‌ها، مخاطب باید توانایی درک و فهم، تجزیه و تحلیل، و ارزیابی پیام رسانه را داشته باشد. بداند اطلاعات مورد نیاز خود را کجا باید بیابد و چگونگی سنجش آن را بداند.

من به‌عنوان معلم دانشگاه، فراوان با سؤالاتی از این قبیل مواجه می‌شوم: «بهترین موضوع تحقیق در حوزه... چیست؟» یا با درخواست ارسال مقاله یا کتاب در حوزه مشخصی از تحقیق روبه‌رو می‌شوم و در عجب می‌مانم که مگر می‌شود برای کسی مشخص کرد، کدام موضوع مهم است! کسی که نمی‌داند منابع مورد نظرش کجا هستند، چگونه می‌تواند تحقیق خود را راه ببرد؟ متخصصان تعلیم و تربیت دانش مناسب در این حوزه